

## پیش بینی پیشرفت تحصیلی از طریق میزان دلبستگی

### Prediction of Academic Achievement From Attachment Rate

*B. Atashrouz, M. A.* ✉

*Sh. Pakdaman, Ph.D.*

*A. Asgari, Ph.D.*

بهروز آتش‌روز ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

دکتر شهلا پاکدامن

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر علی عسگری

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

#### Abstract

The present study examines the relationship and predictability of academic achievement through attachment and its dimensions such as trust, communication, and alienation to parents and peers.

Sample includes 200 individuals (100 male and 100 female) of first grade students of high school that have been chosen through cluster sampling method.

The IPPA questionnaire used in order to measure the personality traits, Besides, the average score of final exams in

#### چکیده:

هدف پژوهش حاضر تعیین میزان رابطه و پیش-بینی پیشرفت تحصیلی از طریق دلبستگی به مادر، پدر و همسالان و همچنین سایر ابعاد آن یعنی اعتماد، ارتباط و بیگانگی با والدین و همسالان می-باشد. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. نمونه مورد بررسی در این تحقیق ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر) از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان بودند که براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش جهت سنجش دلبستگی، پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA) بود.

✉Corresponding author: Pravate Pranctice

Tel: +98641-5259259

Fax: ---

Email: behrouzatasrouz@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: خوزستان - دزفول - خیابان بهاران ۲ - پلاک ۳۶

تلفن: ۰۶۴۱-۵۲۵۹۲۵۹ دورنما: ---

پست الکترونیک: email: behrouzatasrouz@gmail.com

the third grade of guidance school was set as a criterion to measure academic achievement.

Results show a significant relationship between attachment to mother ( $r=0.378$ ), father ( $r=0.352$ ) and peer ( $r=0.342$ ) and the academic achievement. It was found that mother attachment has the most power to predict academic achievement and explained 14.3% of academic achievement variance. Among other attachment subscales mother trust has the most power to predict the academic achievement, explaining 15.5% of academic achievement variance.

**Keywords:** academic achievement, parent attachment, peer attachment.

معدل دروس نهایی دانش‌آموزان در سال سوم راهنمایی به‌عنوان ملاک سنجش پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار دل‌بستگی مادر، پدر و همسالان، با ضریب همبستگی  $r=0/378$ ،  $r=0/352$  و  $r=0/342$  با پیشرفت تحصیلی بود. نتیجه نهایی تحقیق نشان داد که دل‌بستگی به مادر بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی پیشرفت تحصیلی را دارد. بر این اساس دل‌بستگی به مادر توانایی پیش‌بینی ۱۴/۳٪ از تغییرات پیشرفت تحصیلی را دارد. از طرف دیگر از میان خرده‌مقیاس‌های دل‌بستگی (اعتماد، ارتباط و بیگانگی با والدین و همسالان)، اعتماد به مادر با پیش‌بینی ۱۵/۵٪ از تغییرات پیشرفت تحصیلی بیشترین توانایی پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارد.

**کلیدواژه‌ها:** پیشرفت تحصیلی، دل‌بستگی به والدین و همسالان

## مقدمه

انسان دارای جنبه‌های گوناگون روانی می‌باشد که علاوه بر تأثیرگذاری بر یکدیگر بر جنبه‌های مختلف زندگی نیز تأثیر می‌گذارد، بنابراین شناخت و دستیابی به کیفیت و کمیت این روابط همواره مورد توجه روان‌شناسان قرار داشته است. در عصر حاضر تعلیم و تربیت و به‌طور کلی تحصیل بخشی مهمی از زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد، به‌علاوه کیفیت و کمیت این تحصیل نیز نقش مهمی را در آینده فرد ایفا می‌کند. بر این اساس نزدیک به یک قرن است که روان‌شناسان به‌صورت گسترده در تلاش برای شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی می‌باشند. افرادی همانند بینه<sup>۱</sup> و سیمون<sup>۲</sup> در سال ۱۹۰۵، ثرن‌دایک<sup>۳</sup>، ۱۹۲۰؛ هریس<sup>۴</sup>، ۱۹۴۰؛ الشات و هامکر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰ و... به این مهم پرداخته‌اند (به‌نقل از پرموزیک و فورنهام، ۲۰۰۳). در جوامع مختلف نیز گروه‌های تخصصی و روان‌شناسان همواره به بررسی جوانب مختلف تحصیل و شناسایی عوامل مؤثر بر آن تأکید کرده‌اند (لانس‌بری، استیل، لولند، گیبسون، ۲۰۰۴). زیرا نه تنها دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها، بلکه جامعه نیز هزینه‌های زیادی را جهت تحصیل دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی صرف می‌کند، بنابراین دست یافتن

به نتایج مثبت در زمینه تحصیل (با شناسایی و کنترل عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی) می‌تواند منجر به پیشرفت همه جانبه دانش‌آموزان و جامعه گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که، هر فرد جهت ورود به اجتماع و در نتیجه رویارویی با موقعیت‌های گوناگون و افراد مختلف (از نظر فرهنگی، اقتصادی، طبقه اجتماعی و...) به پاره‌ای از ابزار مجهز شده است، این ابزارهای فردی را می‌توان ساختارهای روانی او دانست که می‌توانند فرد را در مقابله با رویدادهای زندگی یاری رسانند (کِلمیر، دنیلسون و باستین، ۲۰۰۵). این ساختارهای روانی به‌طور متقابل تحت تأثیر عوامل مختلفی همانند خانواده، اجتماع، گروه همسالان و غیره قرار دارد و از سویی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (باری، لاکي و ارهک، ۲۰۰۷). به همین دلیل محققان همواره به تأثیرات این مؤلفه‌های روانی بر جنبه‌های گوناگون زندگی افراد توجه بسیاری کرده‌اند که از این میان می‌توان به تأثیر این مؤلفه‌ها بر عملکرد شغلی، تحصیلی، اجتماعی و... اشاره کرد (ویلسون، روهلز، سیمپسون و تران، ۲۰۰۷). در این میان پیشرفت تحصیلی بیشتر از سایر متغیرها مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. زیرا به نظر می‌رسد آن‌چه می‌تواند یک فرد، خانواده و در نهایت یک کشور را در مسیر پیشرفت، بیش از همه یاری دهد بهره‌مندی از افرادی است که نه تنها دارای سلامت روانی مناسبی هستند بلکه در سیستم آموزشی؛ چه در آموزش و پرورش و چه در سطح دانشگاه تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند. آگاهی از جنبه‌های روانی دانش‌آموزان می‌تواند همانند یک ابزار کمک آموزشی قدرتمند عمل کند. برای نمونه فهمیدن این نکته که دانش‌آموز در شرایطی خاص چگونه رفتار می‌کند می‌تواند منجر به افزایش تأثیرگذاری ابزارهای آموزشی و همچنین روش‌های آموزشی معلم و سیستم آموزش و پرورش و در نهایت پیشرفت دانش‌آموزان گردد (چادوری، محمد و امین، ۲۰۰۶). با توجه به نکات ذکر شده پیشرفت مناسب دانش‌آموزان در طول تحصیل و در نهایت دستیابی به سطوح بالای تحصیلی نه تنها باعث تأمین منافع برای فرد و خانواده وی می‌شود بلکه از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌تواند فواید زیادی را برای یک کشور به همراه داشته باشد. از این‌رو به نظر می‌رسد بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر تحصیل دانش‌آموزان و همچنین تعیین میزان اهمیت این عوامل در پیشرفت و یا عدم پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار باشد و در نهایت بتواند پیش‌آگهی مناسبی از آینده فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان مهیا کند.

دلبستگی را می‌توان به‌صورت الگوهای تفکر، احساس و رفتارهای شخصی در رابطه نزدیک با مراقب، شریک عاطفی و دیگر افراد صمیمی تعریف کرد (بوتوناری، رابرت، کلی، کاشدان و سیدسال، ۲۰۰۷). لوین<sup>۶</sup> (۱۹۶۷) پیشرفت تحصیلی را تجلی جایگاه تحصیلی یک دانش‌آموز می‌داند، این جایگاه ممکن است به نمره‌ای برای یک درس یا معدل مجموعه‌ای از دروس در یک گروه یا در تمامی دروس اطلاق گردد (به‌نقل از ذکایی، ۱۳۷۸).

در زمینه شکل‌گیری دلبستگی در کودک، نقش خانواده و چگونگی تأمین نیازهای کودک در دوران کودکی نقش مهمی را ایفا می‌کند. در تحقیقی که در سال ۲۰۰۲ توسط راتشتاین<sup>۷</sup>، صورت گرفت مشخص شد کنترل‌هایی که والدین بر رفتار کودکان انجام می‌دهند منجر می‌شود تا کودکان سطوح بالاتری از انضباط فردی، پختگی، هویت و موفقیت‌های درسی و شغلی را از خود نشان دهند (شارپ، ۲۰۰۴). رشد سائق‌ها و تأمین دیگر نیازها در دوران کودکی (که توسط خانواده صورت می‌گیرد) معمولاً از طریق پیشرفت تحصیلی خود را نمایان می‌کند (شارپ، ۲۰۰۴). آنولا<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۳) به‌نقل از شارپ، (۲۰۰۴) دریافتند که عقاید والدین پیرامون موفقیت تحصیلی فرزندان‌شان موفقیت کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به سمت بهترین بودن سوق می‌دهد. بنابراین اگر والدین عقیده داشته باشند که کودکان‌شان به سمت موفقیت تحصیلی حرکت خواهند کرد کودکان بیشتر بر موفقیت تحصیلی متمرکز خواهند شد (آنولا و همکاران، ۲۰۰۳؛ به‌نقل از شارپ، ۲۰۰۴). نتایج یک تحقیق نشان داد که دلبستگی به همسالان به‌صورت غیرمستقیم بر پیشرفت تحصیلی تأثیرگذار است، در حالی‌که دلبستگی به والدین تأثیرگذاری بیشتری را بر پیشرفت تحصیلی نشان می‌دهد (چانچ، ۲۰۰۲). توبمن و فاس (۲۰۰۲) عنوان می‌کنند که سطوح پایین دلبستگی به والدین می‌تواند منجر به افزایش خطر ضعف عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان گردد؛ روابط ضعیف میان کودک و والدین و ناامید بودن از وضعیت درسی دانش‌آموز و هم‌چنین عدم تشویق وی از سوی والدین می‌تواند منجر به افزایش خطر ضعف تحصیلی گردد.

## روش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است.

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهرستان دزفول که در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ مشغول به تحصیل بودند، را در برمی‌گیرد. این تعداد شامل ۵۸۹۰ نفر دانش‌آموز بود که در ۲۳ مدرسه پسرانه و ۲۱ مدرسه دخترانه مشغول به تحصیل بودند. از این میان ۵ دبیرستان پسرانه و ۵ دبیرستان دخترانه انتخاب شدند و در ادامه از هر کدام از مدارس یاد شده، یک کلاس اول دبیرستان که به‌صورت میانگین شامل ۲۵ دانش‌آموز بود انتخاب شد. در نهایت ۲۵۵ نفر (۱۳۰ پسر و ۱۲۵ دختر) از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و از این میان ۲۰۰ پرسشنامه (بدون عیب و نقص) جهت انجام تحلیل‌های آماری انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.

## ابزار پژوهش

پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA)<sup>۱</sup>: این پرسشنامه که ابتدا توسط آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۷۸) طراحی شد دارای دو بخش بود. در بخش اول میزان دلبستگی ایمن به والدین و در بخش دوم میزان دلبستگی ایمن به همسالان سنجیده می‌شد. این آزمون دارای ۲۸ سؤال در بخش نخست و ۲۵ سؤال در بخش دوم بود. بعدها این مؤلفان با تفکیک دلبستگی والدین به دو قسمت دلبستگی به پدر و مادر پرسشنامه‌ای را تهیه نمودند که دارای ۷۵ سؤال (هر ۲۵ سؤال از آن مربوط به دلبستگی به پدر، مادر و همسالان) بود. در هر دو ویرایش از این پرسشنامه، احساس امنیت (کیفیت عاطفی نسبت به والدین و همسالان) و جستجوی مجاورت (میزان جستجو و استفاده نوجوانان از والدین و دوستان در شرایط تنیدگی‌زا) سنجیده می‌شود. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش سه نوع دلبستگی یعنی دلبستگی به مادر، پدر و همسالان را مورد سنجش قرار می‌دهد و هم‌چنین سه زیر مقیاس اعتماد (میزان اعتماد متقابل نوجوان و چهره دلبستگی) ارتباط (چگونگی ارتباط نوجوان با والدین و همسالان) و بیگانگی (میزان خشم و عصبانیت نوجوانان از والدین و همسالان) را در هر کدام از دلبستگی‌های مادر، پدر و همسالان مشخص می‌کند. سؤالات این آزمون با استفاده از مقیاس ۵ درجه لیکرتی (از تقریباً همیشه درست تا تقریباً هیچ‌گاه درست) با مقیاس فاصله‌ای پاسخ داده می‌شود (مظاهری، ۱۳۸۲).

اعتبار درونی (آلفای کرونباخ) این آزمون توسط آرمسدن و گرینبرگ در روش آزمون مجدد در فاصله سه هفته که بر روی یک نمونه ۲۷ نفری از آزمودنی‌های ۲۰-۱۸ ساله انجام شد، عبارت بود از: دلبستگی به مادر ۰/۸۷، دلبستگی به پدر ۰/۸۹ و دلبستگی به همسالان ۰/۹۲ (آرمسدن و گرینبرگ، منتشر نشده). در پژوهشی که نصرتی (۱۳۸۳) انجام داد میزان ضرایب آلفای کرونباخ عبارت بودند از: دلبستگی به مادر ۰/۸۲، دلبستگی به پدر ۰/۸۳ و دلبستگی به همسالان ۰/۹۲. اعتبار درونی (ضریب آلفای کرونباخ) مربوط به این آزمون در پژوهش حاضر با بررسی یک نمونه ۳۰ نفره عبارت بود از: دلبستگی به مادر ۰/۸۸، دلبستگی به پدر ۰/۸۸ و دلبستگی به همسالان ۰/۸۷.

## یافته‌ها

جدول ۱: نتایج ضریب همبستگی میان دلبستگی و پیشرفت تحصیلی

| متغیر پیش‌بین               | دلبستگی به مادر | دلبستگی به پدر | دلبستگی به همسالان |
|-----------------------------|-----------------|----------------|--------------------|
| متغیر ملاک<br>پیشرفت تحصیلی | ۰/۳۷۸*          | ۰/۳۵۲          | ۰/۳۴۲              |

\* $P < 0.01$

همان‌طور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد دل‌بستگی به مادر، پدر و همسالان با پیشرفت تحصیلی در سطح معناداری  $p < 0/01$  رابطه مستقیم و معناداری دارد و میزان همبستگی آن‌ها به ترتیب برابر با  $r = 0/378$ ،  $r = 0/352$  و  $r = 0/342$  می‌باشد. یعنی هرچه افراد دل‌بستگی بیشتری به مادر، پدر و همسالان خود داشته باشند پیشرفت تحصیلی بیشتری را خواهند داشت. به عبارت دیگر هر میزان ایمن بودن دل‌بستگی افراد بیشتر باشد پیشرفت تحصیلی بیشتری را کسب خواهند کرد.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام پیشرفت

تحصیلی از طریق دل‌بستگی

| گام | شاخص متغیر          | F      | سطح معناداری | R     | R <sup>2</sup> | $\beta$ | t     |
|-----|---------------------|--------|--------------|-------|----------------|---------|-------|
| ۱   | دل‌بستگی به مادر    | ۳۳/۰۰۵ | ۰/۰۱         | ۰/۳۷۸ | ۰/۱۴۳          | ۰/۳۷۸   | ۵/۷۴۵ |
| ۲   | دل‌بستگی به مادر    | ۲۱/۹۴۱ | ۰/۰۱         | ۰/۴۲۷ | ۰/۱۸۲          | ۰/۲۸۳   | ۳/۹۵۷ |
|     | دل‌بستگی به همسالان |        |              |       |                | ۰/۲۲۰   | ۳/۰۷۷ |

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام در جدول ۲ نشان می‌دهد که از سه متغیر دل‌بستگی به مادر، پدر و همسالان، دل‌بستگی به مادر و همسالان نقش مهم‌تری در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی ایفا می‌کنند و با توجه به داده‌های جدول ۴ در مدل یا گام اول دل‌بستگی به مادر ۱۴/۳٪ از تغییرات پیشرفت تحصیلی را تبیین و پیش‌بینی می‌کند و  $F = 33/005$  در سطح معناداری  $p < 0/01$  این عمل پیش‌بینی را تأیید می‌کند. در گام دوم نیز دل‌بستگی به همسالان به مدل اضافه شده و به همراه دل‌بستگی به مادر، در مجموع ۱۸/۲٪ از تغییرات پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کنند و چون  $F = 21/941$  در سطح معناداری  $p < 0/01$  از نظر آماری معنادار است لذا می‌توان نتیجه گرفت که این پیش‌بینی معنی‌دار و مورد تأیید می‌باشد. در نهایت می‌توان گفت که از میان سه نوع دل‌بستگی (مادر، پدر، و همسالان)، دل‌بستگی به مادر پیش‌بینی‌کننده مناسب‌تری برای پیشرفت تحصیلی می‌باشد.

جدول ۳: ضریب همبستگی اعتماد، رابطه و بیگانگی با والدین و

همسالان و پیشرفت تحصیلی

| متغیر پیشین<br>متغیر ملاک | اعتماد به<br>مادر   | اعتماد<br>به پدر   | اعتماد به<br>همسالان | رابطه با<br>مادر   | رابطه با<br>پدر    | رابطه با<br>همسالان | بیگانگی با<br>مادر  | بیگانگی<br>با پدر   | بیگانگی<br>با<br>همسالان |
|---------------------------|---------------------|--------------------|----------------------|--------------------|--------------------|---------------------|---------------------|---------------------|--------------------------|
| پیشرفت<br>تحصیلی          | ۰/۳۹۴ <sup>۰۱</sup> | ۰/۳۴۳ <sup>۰</sup> | ۰/۲۸۴ <sup>۰</sup>   | ۰/۲۶۶ <sup>۰</sup> | ۰/۲۳۸ <sup>۰</sup> | ۰/۲۶۴ <sup>۰</sup>  | -۰/۲۹۸ <sup>۰</sup> | -۰/۲۹۲ <sup>۰</sup> | -۰/۲۴۶ <sup>۰</sup>      |

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود متغیرهای اعتماد و رابطه با والدین و همسالان همبستگی مثبت و معنی‌داری را در سطح اطمینان  $p < 0/01$  با پیشرفت تحصیلی دارا می‌باشند. به این معنی که هرچه میزان اعتماد به مادر، پدر و همسالان بیشتر باشد، این امر می‌تواند منجر به افزایش پیشرفت تحصیلی گردد. در این میان اعتماد به مادر با  $F=0/394$  بیشترین ضریب همبستگی را دارا می‌باشد. از طرفی بیگانگی با والدین و همسالان به شکل منفی با پیشرفت تحصیلی در ارتباط است. به این معنی که دانش‌آموزان دارای نمره بالا در مؤلفه بیگانگی سطوح پایین‌تری از پیشرفت تحصیلی را از خود نشان می‌دهند و همان‌طور که مشاهده می‌شود بیگانگی با مادر بیشترین رابطه منفی را با پیشرفت تحصیلی دارا می‌باشد.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون پیشرفت تحصیلی از روی اعتماد، رابطه و بیگانگی با والدین و همسالان

| گام | شاخص متغیر                        | F      | سطح معنی‌داری | R     | R <sup>2</sup> | $\beta$ | t     |
|-----|-----------------------------------|--------|---------------|-------|----------------|---------|-------|
| ۱   | اعتماد به مادر                    | ۳۶/۲۹۵ | ۰/۰۱          | ۰/۳۹۴ | ۰/۱۵۵          | ۰/۳۹۴   | ۶/۰۲۵ |
| ۲   | اعتماد به مادر و رابطه با همسالان | ۲۲/۳۹۹ | ۰/۰۱          | ۰/۴۳۰ | ۰/۱۸۵          | ۰/۳۵۰   | ۵/۲۸۱ |
|     | ۰/۱۸۰                             |        |               |       |                | ۲/۷۰۹   |       |

با توجه به داده‌های جدول ۴ در گام اول متغیر اعتماد به مادر وارد معادله پیش‌بینی شده و  $0/15/5$  از تغییرات پیشرفت تحصیلی را تبیین می‌کند و مقدار  $F = 36/295$  در سطح معناداری  $p < 0/01$  این قدرت پیش‌بینی را تأیید می‌کند. در گام دوم نیز اعتماد به مادر و رابطه با همسالان وارد معادله شده‌اند و در مجموع  $0/18/5$  از تغییرات پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کنند و  $F=22/399$  در سطح معناداری  $P < 0/01$  این قدرت پیش‌بینی را مورد تأیید قرار می‌دهد. بنابراین مشاهده می‌شود که از میان متغیرهای اعتماد، ارتباط و بیگانگی به پدر، مادر و همسالان، اعتماد به مادر و رابطه با همسالان به شکل معناداری توانایی پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارند.

#### بحث

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که هر سه متغیر دل‌بستگی به مادر، پدر و همسالان و همچنین زیرمقیاس‌های اعتماد، ارتباط و بیگانگی با والدین و همسالان به شکل معنی‌داری با پیشرفت تحصیلی همبستگی دارند. در این میان دل‌بستگی به والدین و به‌خصوص مادر از بیشترین همبستگی با پیشرفت تحصیلی برخوردار بود. بر این اساس دانش‌آموزانی که دل‌بستگی بیشتری به مادر دارند پیشرفت تحصیلی بالاتری را از خود نشان می‌دهند. تحقیقات اخیر نیز بر این نکته تأکید

می‌کند که حمایت مثبت والدین و دلبستگی ایمن کودک به والدین، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رشد دائمی تحصیلی در اوایل و اواخر نوجوانی باشد (بل<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۶؛ هوفمن<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۷؛ لارنت<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۱؛ به‌نقل از توبمن و فاس، ۲۰۰۲). ویتار (۲۰۰۵) نشان داد که بسیاری از مشکلات یادگیری در مدرسه می‌توانند پیش‌بینی‌کننده مشکلات قبل از مدرسه (چگونگی رفتار والدین، چگونگی پاسخ‌دهی آن‌ها و...) باشند. نتایج تحقیق اِدی، بروین، دکوی، و میجن، (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که رفتارهای والدین در ارتباط با کودک می‌تواند نقش مثبتی بر پیشرفت تحصیلی کودک داشته باشد. جاناتان و والتر (۲۰۰۴) نیز عنوان می‌کنند که دلبستگی ایمن می‌تواند منجر به ارتباط مثبت با اشخاص، اجتماع و هم‌چنین منجر به موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان گردد. مطالب فوق تأییدی بر تأثیر خانواده و روابط موجود در آن مخصوصاً دلبستگی شکل گرفته در کودک بر پیش‌بینی پیشرفت‌ها و شکست‌های آینده کودک می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که خانواده نقش پررنگی را در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. در زمینه چگونگی پیش‌بینی‌پذیری پیشرفت تحصیلی از طریق دلبستگی نیز بررسی‌ها نشان‌دهنده این امر بود که انواع دلبستگی (به مادر، پدر و همسالان) توانایی پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارا می‌باشند. در تحقیقی که توسط کارنی (۲۰۰۵) صورت گرفت نیز مشخص شد که دلبستگی ایمن قادر به پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی (با حدود ۷٪ واریانس) می‌باشد. در این زمینه نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که از میان سه متغیر دلبستگی به مادر، پدر و همسالان، دلبستگی به مادر دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی در زمینه پیشرفت تحصیلی است. در تبیین این نتیجه می‌توان این چنین گفت: به نظر می‌رسد که قدرت بیشتر دلبستگی به مادر در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به دلیل اهمیت بیشتر این رابطه (مادر و فرزند) در دوران کودکی باشد. همان‌طور که بسیاری از نظریه‌پردازان عنوان کرده‌اند رابطه با مادر از آن‌جا که معمولاً اولین رابطه‌ای است که کودک آن را تجربه می‌کند و در دوران کودکی نیز مادر اولین تأمین‌کننده نیازهای کودک می‌باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس وقتی به نوزادان یک‌ساله مضطرب امکان انتخاب کردن بین مادر و پدر برای تسلی بخشیدن و ایمنی داده می‌شود، عموماً مادر را ترجیح می‌دهند (لمب<sup>۱۴</sup>، ۱۹۷۷؛ به‌نقل از برک، ۱۳۸۳) با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت که کیفیت اولیه رابطه مادر و کودک (دلبستگی شکل گرفته) در دوران کودکی و نوجوانی از اهمیت بالایی در دوران تحصیلی فرد نیز برخوردار می‌باشد. ادی و همکاران (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که شرایط فرهنگی و خانوادگی نقش عمده‌ای را در چگونگی رابطه میان والدین و فرزندان ایفا می‌کند. در جوامع مختلف مادران و پدران به شکل‌های متفاوتی خود را درگیر مسائل تحصیلی فرزندان خود می‌کنند، بر این اساس در جامعه ما معمولاً مادران توجه و اهمیت بیشتری را نسبت به امور تحصیلی فرزندان از خود نشان می‌دهند و بسیار بیشتر از پدران نگران مسائل و مشکلات تحصیلی فرزندان خود می‌باشند. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که دلبستگی به



مادران نقش بیشتر و پررنگ‌تری را در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی فرزندان ایفا کند. همان‌طور که اشاره شد دلبستگی به همسالان نیز همانند دلبستگی به مادر (البته در سطح پایین‌تری) به شکل معنی‌داری توانایی پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارا می‌باشد. به نظر می‌رسد در مرحله نوجوانی همسالان چهره‌های دلبستگی به معنای واقعی کلمه محسوب می‌شوند در این زمینه زیفمن (۱۹۹۹) به‌نقل از شیور و همکاران (۲۰۰۶) بیان می‌کند در سنین نوجوانی، کودکان از والدین به‌عنوان الگوهای اولیه دلبستگی دور شده و اعتماد بیشتری به عقاید و حمایت‌های همسالان نشان می‌دهند. هم‌چنین لارسن و همکاران (۱۹۹۶) به‌نقل از شیور و همکاران (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که در دوره نوجوانی مقدار زمانی که نوجوانان صرف‌بودن با همسالان هم‌جنس و هم‌چنین همسالان غیرهم‌جنس خود می‌کنند افزایش می‌یابد، این تغییرات سر‌آغاز تغییر الگوهای اولیه دلبستگی، از والدین به سوی همسالان می‌باشد. هم‌سو با نتایج فوق‌دیده می‌شود که در پژوهش حاضر نیز دلبستگی به همسالان قدرت بالاتری نسبت به دلبستگی به پدر در زمینه پیشرفت تحصیلی را داراست و شاید در صورت بررسی رابطه دلبستگی و پیشرفت تحصیلی در سنین بالاتر، شاهد افزایش نقش دلبستگی به همسالان در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی باشیم.

نتایج تحقیق پیرامون خرده‌مقیاس‌های اعتماد، ارتباط و بیگانگی با والدین و همسالان نیز نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار این سه متغیر با پیشرفت تحصیلی می‌باشد. در این میان اعتماد به مادر از بیشترین همبستگی با پیشرفت تحصیلی برخوردار می‌باشد.

هم‌چنین در زمینه چگونگی پیش‌بینی‌پذیری پیشرفت تحصیلی از طریق خرده‌مقیاس‌های اعتماد، ارتباط و بیگانگی با والدین و همسالان، نتایج پژوهش نشان داد که اعتماد به مادر از بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی پیشرفت تحصیلی برخوردار است. این نتایج مؤید اهمیت و تأثیرگذاری دلبستگی به مادر و سایر مؤلفه‌های مربوط به آن در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. لمب، (۱۹۸۷) به‌نقل از برک (۱۳۸۳) عنوان می‌کند که مادران حساسیت بیشتری نسبت به نیازهای فرزندان خود نشان می‌دهند، محرک‌های اجتماعی بیشتری برای او فراهم می‌کنند، با کودک خود صمیمی‌تر هستند، با او بازی می‌کنند و محبت بیشتری نسبت به او نشان می‌دهند. مادران در مقایسه با پدران معمولاً وقت بیشتری را صرف مراقبت جسمانی و ابراز محبت می‌کنند و به حرف زدن با نوزادان می‌پردازند. این نتایج تبیینی در جهت اهمیت دلبستگی به مادر و تأثیر آن در جنبه‌های مختلف زندگی فرد و از جمله پیشرفت تحصیلی می‌باشد.

در حال حاضر عوامل بسیاری وجود دارند که می‌توانند کیفیت تحصیل دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهند. از سویی می‌توان گفت تمامی خانواده‌ها تمایل دارند که فرزندان‌شان بتوانند به بهترین شکل دوران تحصیلی خود را پشت سر بگذارند تا در نهایت بتوانند علاوه بر ورود به دانشگاه، زندگی آینده خود را نیز تأمین کنند، بنابراین به نظر می‌رسد باید خانواده‌ها را از نقش مهم خود در

پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان آگاه ساخت تا قبل از این که از هر منبع و سازمانی انتظار کمک و تأمین شرایط تحصیلی مناسب برای فرزندان‌شان را داشته باشند، ابتدا خود به وظایف‌شان در قبال فرزندان‌شان عمل کنند.

## یادداشت‌ها

- |                       |  |
|-----------------------|--|
| 1. Binet, A           | 9. Inventory Of Parent And Peer Attachment |
| 2. Simon, T           | 10. $P < 0/01$                             |
| 3. Thorndike, E. L    | 11. Bell                                   |
| 4. Harris, D          | 12. Hoffman                                |
| 5. Elshout, & Hamaker | 13. Larnet                                 |
| 6. Levin              | 14. Lamb                                   |
| 7. Rateshtine         |  |
| 8. Anolla             |  |

## منابع

- برک، ل. ا. (۱۳۸۳). روان‌شناسی رشد از لقای تا کودکی (ترجمه ی. سیدمحمدی). تهران: انتشارات ارسباران (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۱).
- ذکایی، ر. (۱۳۷۸). بررسی رابطه مفهوم خود و سبک‌های اسنادی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال سوم علوم تجربی دبیرستان‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- مظاهری، م. ع. (۱۳۸۲). دستورالعمل نمره‌گذاری پرسشنامه دل‌بستگی به والدین و همسالان (IPPA)، (چاپ نشده) پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- نصرتی، م. ص. (۱۳۸۳). بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دل‌بستگی در نوجوانان پسر (۱۴، ۱۶، ۱۸ ساله) شهرستان گناباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- Armsden, B. N. & Greenberg, M. T. (1987). The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 16, 427-454.
- Barry, R. A., Lakey, B., & Orehek, E. (2007). Links among attachment dimensions, affect, the self, and perceived support for broadly generalized attachment styles and specific Bonds. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 33, 340-353.
- Bottonari, K. A., Roberts, J. E., Kelly, M. A. R., Kashdan, T. B., & Ciesla, J. A. (2007). A prospective investigation of the impact of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. *Behavior Research and Therapy*, 45, 179-188.
- Carney, J. (2005). *Using attachment to carve nature at its joints*. [On-Line]. Available: <http://e-research.tnstate.edu/dissertations/AAI3187589/>
- Chang, J. (2002). The influence of parents, peer delinquency, and school attitudes on academic Achievement in Chinese, Cambodian, Laotian or Mien, and Vietnamese Youth. *Crime & Delinquency*, 51, 238-264.

- Chowdhury, M. S., & Amin, M. N. (2006). Personality and academic achievement: Interactive effects of conscientiousness and agreeableness on students' performance in principles of economics. *Social Behavior and Personality*, 28, 433-449 .
- Eddy, H., Bruyn, D., Dekovi, M., & Meijnen, G. W. (2003). Parenting, goal orientations, classroom behavior, and school success in early adolescence. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 24, 393- 412.
- Jonathan, P. S., & Walter, C. (2004). Relationship between attachment to parents and psychological separation in college students. *Journal of College Student Development*, 45, 566-577.
- Kemmelmeier, M., Danielson, C., & Bastten, J. (2005). What's in a grade? Academic success and political orientation. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 1386-1399.
- Lounsbury, J. W., Steel, R. P., Loveland, J. M., & Gibson, L. W. (2004). An investigation of personality traits in relation to adolescent school absenteeism. *Journal of Youth and Adolescence*, 33, 457-466.
- Premuzic, T. & Furnham, A. (2003). Personality traits and academic examination performance. *European Journal of Personality*, 17, 237- 250.
- Sharpe, K. (2004). *Parental influence on the development of children* [On-Line]. Available: [https://people.creighton.edu/idc24708/Genes%20Poster/Papers/Parenting Sharpe.doc](https://people.creighton.edu/idc24708/Genes%20Poster/Papers/Parenting%20Sharpe.doc).
- Shaver, P. R., Tracy, J. L., Albino, A. W., & Cooper, M. L. (2007). Attachment styles and adolescent sexuality [On-Line]. Available: <http://emotionlab.ca/wp-content/images/2006/10/sex-and-attachment-chapter.pdf>
- Tobman, J., & Fass, M. (2002) . The influence of parent and peer attachment on college students' academic achievement. *Psychology in the Schools*, 39, 561-573 .
- Vitaro, F. (2005). Linkages between early childhood, school success, and high school completion [On-Line]. Available: [www.excellence-earlychildhood.ca](http://www.excellence-earlychildhood.ca)
- Wilson, L. C., Rholes, W. S., Simpson, J. A., & Tran, S. (2007). Labor, delivery, and early parenthood: An attachment theory perspective. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 33, 505-518.

Archive.org